

نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب توده ایران) سال سوم، شماره ۳۹ دوشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۵۷

دست‌های جنایتکار ساواک در پس توطئه خونین آبادان

در خاکستر و زغال جسد ۳۷۷ قربانی بی‌گناه سینمارکن آبادان فقط اندکی موشکافی در چگونگی حادثه دلخراش آبادان، نقش پلید ساواک را در طرح و اجرای این قتل عام فبیح و ضد انسانی عیان می‌سازد. در حالی که چند صد زن و مرد و کودک در سالن سینما به تماشای فیلم سرگرم بوده اند، درهای سینما از پشت قفل می‌شود تا پس از نازل شدن بلا، هیچ راه گریزی برای تماشاگران بی‌گناه باقی نماند. اگر سینما رکن در شب شنبه گذشته يك فیلم بدآموز، پيك نوار سکسی محصول فرهنگ منحط غرب را نمایش می‌داد، شاید با چند تن سریش اتهام حریق رامی‌شد به مشت متعصب کوتاه بسین و آنا رشیمت نسبت داد. و تازه همین يك مشت متعصب افراطی نرسو نیز که بی‌شك عقیده تعصب‌آلود و پر نیروی و محرك این حادثه باید می‌بود، به خاطر عقیده و تعصب خویش هیچ ضرورتی برای بستن در سینما و محکوم کردن صد هازن و مرد و کودک به سرگسی فبیح نمی‌یافت. اما در شب حادثه نه يك فیلم فساد انگیز، بل يك فیلم اجتماعی مترقی نمایش داده می‌شد، فیلمی که خود به نحوی ادانامه ای علیه این رژیم مہین فروش و متکی به شکجه گاه و سحرگاہان اهدام است. در حالی که بنا به گفته خود بلندگوی این رژیم که به واسطه شتابی که برای سرهم بندی شرح واقعه داشته اند، دم خروس از پشت انبوه تبلیغات کاذبشان نمایان مانده، سینما را از چهار سو به آتش کشیده اند تا قربانیان بی‌گناه را کاملاً در محاصره آتش قرار دهند و این به وضوح نشان می‌دهد که هدف نه فقط "سینما" بلکه در اصل سرگرم بوده اند.

نخستین سؤالی که در ذهن همه رنگ می‌گردد، این است که از سوختن و خاکستر شدن صد هاتما تا گریس گناه سینما که به عمودی آشکار این سر نوشت به آنها تحمیل شده، چه کسی سود می‌برد؟ مبارزان و مخالفان رژیم؟!

این پرسش مسخره تر بی‌مایه تر از آنست که حتی نیازی به طرح آن نباشد. مبارزانی که برای آزادی و سعادت مردم جان خود را فدا می‌کنند، چگونه ممکن است خود را زخمی آنها شو ند! جلا د خلق‌های ایران را همه می‌شناسند. تنها اوست که در اوضاع و احوال امروز که بیش از هر وقت دیگر منزوی و ورشکسته و لرزان شده، به چنین جنایاتی که بتواند هم خمیرمایه تبلیغات وسیعی شود و هم به زعم او آزادی خواهان را بد نام سازد، خود را نیازمند می‌بیند. فقط اوست که می‌تواند به ساقط طبعیت خود در نهایت خونسردی و خود سوری حکم مرگ صد هابی گناه را صادر کند و به مرحله جرابگذاری.

اما شاه از توطئه خونین آبادان چه نیت و هدف مشخصی دارد؟ پاسخ این پرسش، دریدن آخرین نقابی است که تبه کارترین رژیم معاصر جهان با پرده های دروغ و جنایت و شکنجه و عوام فریبی و ریاکاری به چهره زده است.

فاجعه آبادان درست در شرایطی رخ داده است که طرح يك توطئه جهانی علیه جنبش آزاد بخوانه و ضد امپریالیستی خلق های ایران مرحله به مرحله در شرف تکوین است. اکثر خبرگزاری‌ها و رادیو

فاجعه تکان دهنده و موحد سینمارکن آبادان که با خون ۳۷۷ قربانی بی‌گناه رنگین شده، پرده ای از نمایشنامه جنایت آمیزی است که رژیم شاه - ساواک آن را کارگردانی می‌کند. این توطئه ابله‌سی که با حمله چماق داران و قداره بند های حکومتی به دانشگاه ها، به اجتماع مخالفان استبداد، به کوهنوردان جوان، آغاز شد، با بمب گذاشتن و آتش افروزی در خانه مبارزان راه آزادی و شخصیت های ملی قوام گرفت، با دامن زدن و شرکت فعال در ویرانگری و شکستن و خرد کردن خانه ها و مغازه ها و دانشکده ها و تأسیسات فرهنگی و خصوصی به اوج رسید و اینک کیفیت ترین جهره خود را در غرقابی از خون و مرگ و قساوت در آبادان نشان می‌دهد. تمامی دلایل و گزارش‌هایی که تا این لحظه در دسترس ماست، از حضور مستقیم ساواک و دست های دسیسه گر و نامریی دربار در این قتل عام بی‌شرمانه حکایت می‌کند. درست است که ساعت پس از هشتاد و سه دایر بر این که "من از تمدن بزرگ باشما می‌گویم، در حالی که مخالفان "وحشت بزرگ" را به شما وعده می‌دهند" وحشت بزرگی که شاه فیکو بس کرده بود، بر مردم آبادان نازل شد و انعکاس شوم آن بر سراسر کشور سایه افکند و بلافاصله پس از این پیشگویی آمیخته به ربا و تحقق مصیبت بار آن، تمامی دستگاه های تبلیغاتی رژیم با برنامه ای تقریباً یکسان، کلمات و سیاقی نظیر هم، آوار فاجعه جنایت بار آبادان را بر سر آزاد بخوانان و مبارزان ختنک و سلطنت مطلقه خراب کردند و با اشک تساج و آه وزاری مظاهرانه، خود را سوگوار این بلیه نشان دادند. در همان حال که استاندارشاه در خوسو زستان و دیگر مقامات محلی رسماً اعلام کردند که هنوز علت آتش سوزی سینما رکن معلوم نشده و تحقیق در این باره ادامه دارد، دولت پادشاه های رسمی و نیمه رسمی خبری خود گستاخانه اعلام کرد که عامل حریق، خرابکاران و مخالفان هستند. و به دنبال این حکم که بدون ارائه هیچ برهه و مدرکی عرضه شد، مقاله ها و گفتار های دستوری بر آب و تاب و دروزنامه ها و رادیو و تلویزیون ها پاشا و گوین را از نو آغاز کردند که "ملت نجیب، بداند و آگاه باشید که بدون رژیم سر نیزه، جان و مال شما ایمن نیست. ما می‌خواهیم فضای سیاسی مملکت را باز کنیم، اما آنها" می‌خواهند شامه قرون و اعصار رکن برگردید و باز همه مظاهر و مواهب تمدن جدید چشم ببوشید. اما این خمیصه بازی ها و دیگر رسوا تر و شناخته تر از آنست که حتی ساده لوح ترین مردم را بفریبند. کیست که نداند جنایاتی با ابعاد وحشتناک فاجعه آبادان تنها از دست رژیمانی ساخته است که طی چند ماه گذشته هزاران زن و مرد و کودک و پسر و جوان را در اصفهان و شیراز و مشهد و تبریز و قم و تهران و خرم آباد و شمسوار و یزد و ده ها شهر و روستای دیگر به رگبار مسلسل بستند یا در زیر زنجیر تانک ها به خاک و خون کشیدند؟ کیست که این کلمات مهیب و رعب انگیز شاه نوچه امپریالیسم را فراموش کرده باشد که: "اگر لازم ببینیم، مملکت را نابود می‌کنیم تا به دست دشمن نیفتد. آنها" جز کشوری سوخته از یاد ریافت نخواهند کرد. ؟ و حالا این پیام شیطانی دارد تعبیر می‌شود، در خون مہین پرستان تبریز و قم و مشهد و شیراز و اصفهان،

پیروز باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد سلطنتی محمد رضا شاه